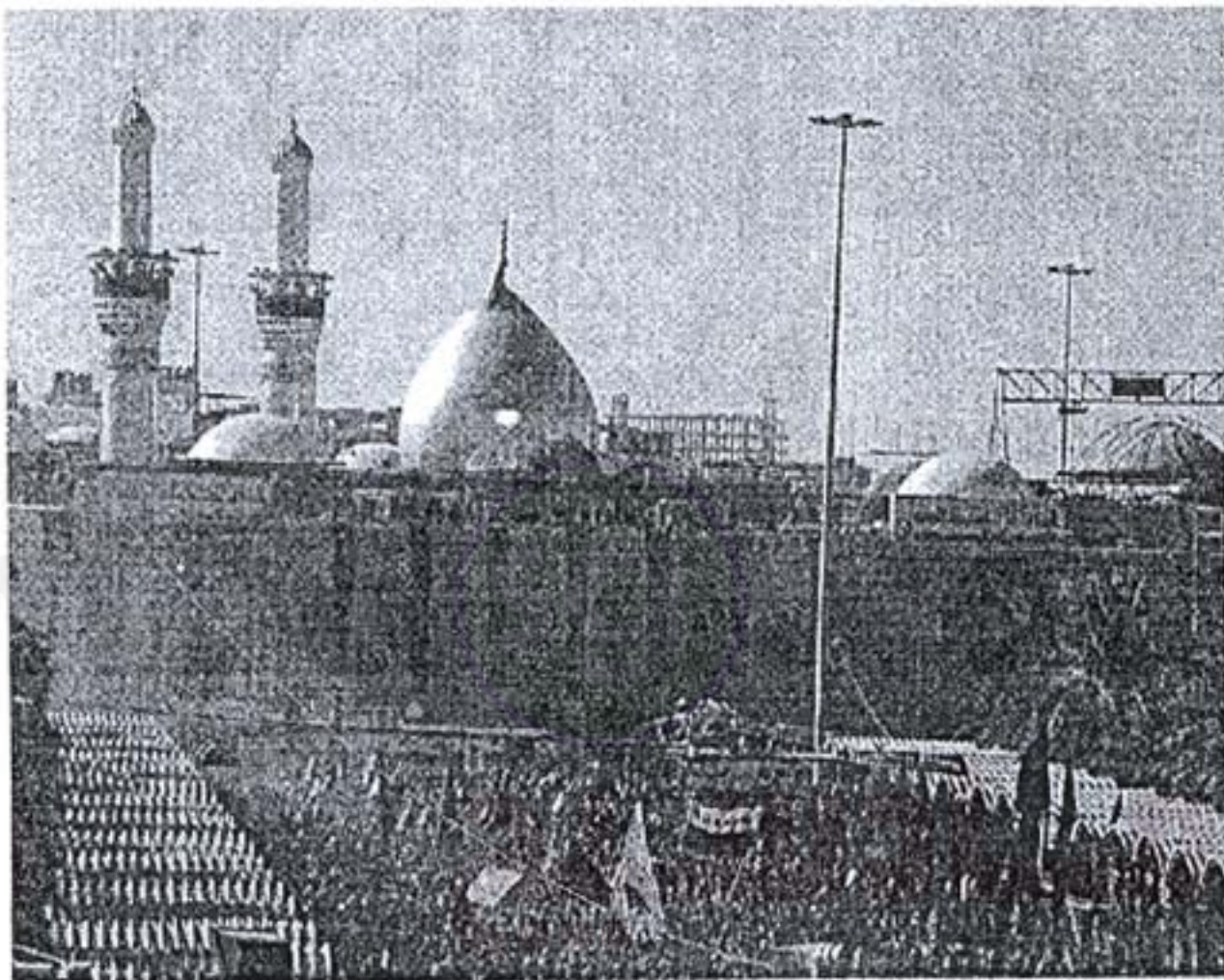


الموجز فی العراق (چکیده ای در عراق)



مکالمه فارسی، عربی فصیح
و لهجه عراقی

چند مقدمه

نکاتی پیرامون لهجه عراقی :

۱. آخر تمام کلمات ساکن است، مگر در موارد نادر یا هنگامی که التفای ساکنین رخ دهد.
۲. حروف مضارعه (ن، ی، ت)، یجز (أ)، همگی مکسور می باشند، و این لهجه ی قبيله نمیم در قدیم که در جنوب عراق و شرق و شمال شرق جزیره العرب می زیست.
۳. اکثراً در سه حرف مد (الف، واو، یاء) إماله بکار می گیریم، یعنی الف نزدیک به یاء تلفظ می شود. تلفظ واو و یاء هم شبیه تلفظ آن دو در زبان کردی است.
۴. در لهجه عراقی به دلیل تأثر از زبان ترکی، حروف (ق و ک) مانند (گ و چ) تلفظ می شوند.
۵. امروزه، بسیاری از کلمات فصیح نیز علاوه بر معادل عامیانه آنها، بکار گرفته می شود.
۶. حرف (ق) احياناً (ک) تلفظ می شود: (إِسْوَكِت = چه وقت = کی).
۷. (أَل) که در اوایل کلمات برای معرفه کردن آنها بکار گرفته می شود (إِل) تلفظ می شود (إِلَباب = درب).
۸. احياناً برای تلفظ کلمات همزه وصل بین آنها گذاشته شده است.
۹. برخی کلمات با دو روش می توان آنها را تلفظ کرد، بنابراین از دو اعراب گذاری استفاده شده است.
۱۰. نای گرد (ة) که دارای دو نقطه روی آن می باشد، (ت) تلفظ می شود نه (هـ)، و اگر بدون نقطه (هـ) که در وصل، مانند حروف مد، حذف می شود، و احياناً، بخاطر إماله فتحه، نوشته می شود (آئه = انا = من) یا برای سَكْت (سکوت).
۱۱. در التفای ساکنین، ساکن اول کسره و اولین حرف صدا دار (بجهور) سکون می گیرد، و تمام حروف بین آن دو (حروف بی صدا) حذف می شوند.
۱۲. خواننده عزیز می تواند بر کلمه اول وقف کند و همزه کلمه بعدی را قطع، یا هر دو کلمه را وصل و همزه کلمه بعدی را وصل کند (آنها تلفظ نکند)، مانند: «إِسْمُكَ اِشْكَدْ حِلُو» (یا) «إِسْمُكَ اِشْكَدْ حِلُو».

۱۳. زیر حروف مد که باید اِماله شوند یک خط کوچک قرار داده شده است ، و در زبان کردی روی اینگونه حروف شماره (v) کوچک گذاشته می شود.
۱۴. هر فعل ثلاثی عین الفعل آن در عربی فصح ساکن می باشد، بجز فعل أجوف، در لهجه عراقی که مکسور العین می باشد.
۱۵. همزه که در وسط کلمه است اکثراً تسهیل می شود (به الف، یا واو، یا یاء تبدیل می شود) مخصوصاً همزه اسم فاعل مهموز العین، مانند: مائل (مایل)، رأس (راس)، بُؤري (بوری = لوله).

برخی واژه های پر کاربرد لهجه عراقی:

- إمْنِین = من این (= از کجا است)
- أَکَر = یوجد (= هست ؛ موجود)
- إِیْشْ = بَأْیْ شَیْءٍ ؛ بَأْیْ سِغَرٍ (= چند ؛ چقدر؟)
- إِهْوایه = کثیر (= زیاد)
- بَعْدَینْ = بَعْدَ ذَکْ ؛ بَعْدَئِذْ ؛ بَعْدَ (= بعداً)
- شِنو ؛ اِیشْ = أَيْ شَیْءٍ ؛ مَاذَا (= چیه؟) و ممکن است فقط حرف (ش) به اول فعل بچسبد (شِسْمَکْ = اسم تو چیست؟).
- لَعْدْ = إِذَنْ (= پس)
- لِیشْ = لِمَاذَا ؛ لِأَيِّ شَیْءٍ (= چرا؟)
- مَاکو = لا یوجد (= نیست)
- مَحْدْ = لا أَحَد (= کسی نیست)
- هَایْ = هَذِی ؛ هَذه (= این) برای مؤنث
- هَذا (با اِماله الف = هَآذَه) = هَذا (= این) برای مذکر
- هَسَّه = الآن (= الآن)
- وین = اَین (= کجا است)

های سال (فصول السنة) :

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
ربیع	الربیع	بهار
صیف	الصیف	تابستان
خریف	الخریف	پاییز
شتاء	الشتاء	زمستان

رنگ ها (الألوان) :

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
أزرق / زرگه	الأزرق / الزرقاء	آبی
أحمر / حمرة	الأحمر / الحمراء	قرمز
أبيض / بیضه	الأبيض / البيضاء	سفید
أخضر / خضره	الأخضر / الخضراء	سبز
أصفر / صفرة	الأصفر / الصفراء	زرد
أسود / سوده	الأسود / السوداء	سیاه
بنفسجيّ	البنفسجيّ	بنفش
برتقالي	البرتقالي	نارنجی
بنّيّ	البنّيّ	قهوه ای
رماديّ	الرماديّ	خاکستری
أسمر / سمره	الأسمر / السمراء	گندمی
أشقر / شگره	الأشقر / الشقراء	بور
ورديّ	الورديّ	صورتی
رصاصي	الرصاصي	سربی

بلوطی	الکستنائي	کستنائي
تیره	الغامق	غامق
روشن	الفتاح	فاتح

روزهای هفته (ایام الأسبوع) :

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
شنبه	السَّبْت	إِسْبِت
یک شنبه	الأحد	إِلْأَحْد
دو شنبه	الاثنين	إِلْإِثْنِین
سه شنبه	الثلاثاء	إِلْثَلَاثَاء
چهار شنبه	الأربعاء	إِلْأَرْبَعَاء
پنج شنبه	الخميس	إِلْخَمِيس
جمعه	الجمعة	إِلْجُمُعَة

ماه ها (الشهور) :

تلفظ فارسی	تلفظ عربی	ماه های عربی (میلادی)	ماه های شمسی
ژانویه	ینایر	كانون الثاني	۱۱ دی
فوریه	فبرایر	شباط	۱۲ بهمن
مارس	مارتش / مارس	آذار	۱۰ اسفند
آوریل	أبریل	نيسان	۱۲ فروردین
مه	مایو / مَیْ / مایس	آیار / مایس	۱۱ اردیبهشت
ژوئن	یونیو	حزیران	۱۱ خرداد
ژوئیه	یولیو	تمّوز	۱۰ تیر

۱۰ مرداد	آب	أَغْصُطُسْ	اوب / آگوست
۱۰ شهریور	أيلول	سِبْتَمْبَر	سپتامبر
۹ مهر	تَشْرِينُ الأول	أَكْتَوْبَر	اکتبر
۱۰ آبان	تَشْرِينُ الثاني	نوفمبر	نوامبر
۱۰ آذر	كانون الأول	ديسمبر	دسامبر

madsg.com

مادسیج

نحاتی در مورد اعداد در لهجه ی عراقی :

۱- عدد در لهجه ی عراقی ثابت است و بر اساس مذکر یا مؤنث بودن معدود تغییر نمی کند، مانند: (عَشْرُ أَقْلَامٍ / عَشْرُ دِجَاجَاتٍ) بجز یک و دو (دِجَاجَه وَحِدَه / قَلَم وَاحِد) ولی معدود مانند عربی فصیح متغیر است. عدد مؤنث فقط بدون معدود بکار میرود (های اَرْبَعَه / های عَشْرَه).

۲- اعداد همیشه ساکن هستند.

۳- اعداد ترتیبی مانند عربی فصیح می باشند و فقط در طریقه ی تلفظ کمی فرق می کنند . ۴- تاریخ و عدد فقط با اعداد اصلی خوانده می شوند ولی همیشه مؤنث هستند و کلمه ی « نصف » به صورت « نِصْ » خوانده می شود (السَّاعَه بِالْوَحْدَه وَنِصْ / بِالنِّتَيْنِ وَرُبْع).

۵- اسامی روزها ، ماه ها و فصل ها مانند عربی فصیح تلفظ می شوند.

۶- رنگ ها از نظر تلفظ برخی حروف مثل (ق) مانند گ تلفظ می شود) یا اِماله ویا حذف و تبدیل برخی از آنها تغییر می کنند .

اعداد اصلی در لهجه عراقی:

(۱- واحد / وَحْدَه) (۲- اِثْنَيْنِ / اِثْنَيْنِ) (۳- اِثْلَاثَه / اِثْلَاث) (۴- اَرْبَعَه / اَرْبَع) (۵- خَمْسَه / خَمْس) (۶- سِتّه / سِت) (۷- سَبْعَه / سَبْع) (۸- اِثْمَانِيَه / اِثْمَانِ) (۹- تِسْعَه / تِسْع) (۱۰- عَشْرَه / عَشْر) (۱۱- اِخْدَعَشْ) (۱۲- اِثْنَعَشْ) (۱۳- اِثْلَطْعَشْ) (۱۴- اَرْبَعَطْعَشْ) (۱۵- خَمْصَطْعَشْ) (۱۶- صِطْعَشْ) (۱۷- سَبْعَطْعَشْ) (۱۸- ثَمْنَطْعَشْ) (۱۹- نِسْفَطْعَشْ)

(۲۰- عِشْرِين) (۲۱- وَاحِدٍ وَعِشْرِين) (۲۲- اِثْنَيْنِ وَعِشْرِين) (۲۳- اِثْلَاثَه وَعِشْرِين) ...

(۳۰- اِثْلَاثَيْنِ) (۳۱- وَاحِدٍ وَثَلَاثَيْنِ) (۳۲- اِثْنَيْنِ وَثَلَاثَيْنِ) ...

(۴۰- اَرْبَعَيْنِ) (۴۱- وَاحِدٍ وَرَبْعَيْنِ) (۴۲- اِثْنَيْنِ وَرَبْعَيْنِ) ...

(۵۰- خَمْسَيْنِ) (۵۱- وَاحِدٍ وَخَمْسَيْنِ) (۵۲- اِثْنَيْنِ وَخَمْسَيْنِ) ...

(۶۰- سِتِّین) (۶۱- واحِدٍ وَ سِتِّین) (۶۲- اِثْنِینِ وَ سِتِّین) ...
 (۷۰- سَبْعِین) (۷۱- واحِدٍ وَ سَبْعِین) (۷۲- اِثْنِینِ وَ سَبْعِین) ...
 (۸۰- اِثْمَانِین) (۸۱- واحِدٍ وَ اِثْمَانِین) (۸۲- اِثْنِینِ وَ اِثْمَانِین) ...
 (۹۰- تِسْعِین) (۹۱- واحِدٍ وَ تِسْعِین) (۹۲- اِثْنِینِ وَ تِسْعِین) ...
 (۱۰۰- مِیَّة) (۱۰۱- مِیَّة وَ واحِدٍ) (۱۰۲- مِیَّة وَ ثْنِین) ...
 (۲۰۰- مِئَتِین) (۲۰۱- مِئَتِین وَ واحِدٍ) (۲۰۲- مِئَتِین وَ اِثْنِین) ...
 (۳۰۰- اِثْلَثُ مِیَّة) (۴۰۰- اَرْبَعُ مِیَّة) (۵۰۰- خَمِیسُ مِیَّة) (۶۰۰- سِتُّ مِیَّة) (۷۰۰-
 سَبْعُ مِیَّة) (۸۰۰- ثَمَنُ مِیَّة) (۹۰۰- تِسْعُ مِیَّة) (۱۰۰۰- اَلْفُ) (۲۰۰۰- اَلْفِینُ)
 (۳۰۰۰- اِثْلَثُ اَلَف) (۴۰۰۰- اَرْبَعُ اَلَف) ... (۱۱۰۰۰- اِخْدَعَشُ اَلَف)
 (۱۰۰۰۰۰- مِئَتُ اَلَف ؛ مِئَتُ اَلَف) (۳۰۰۰۰۰- اِثْلَثُ مِئَتُ اَلَف) ...
 (۱۰۰۰۰۰۰- مِلیون) ...

madsg.com

مادسیج

موضوع : فرودگاه / ایستگاه قطار / پایانه مسافربری (مقصد)

— المطار / محطة القطار / محطة الحافلات (الغاية)

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
لطفاً گذر نامه تان را به من بدهید .	أَعْطِنِي جَوَازَ سَفَرِكَ رَجَاءً .	إِنطِیْنِي حَوَازَكَ رَجَاءً .
شما از کجا می آید ؟	مِنْ أَيْنَ تَأْتِي ؟ / مِنْ أَيْنَ أَنتَ قَادِمٌ ؟	إِنْتِ امْتِیْنُ جَای ؟
من از ایران / عراق می آمم .	أَنَا آتِي (قَادِمٌ) مِنْ إِيْرَانِ / الْعِرَاقِ .	آته جَای مِنْ إِيْرَانِ .
به خاطر زیارت آمده ام .	جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ .	إِجِیْتُ لِلزِّيَارَةِ .
چه مدت در اینجا توقف داریم ؟	كَمْ نَتَوَقَّفُ هُنَا ؟	إِشْكَدْ نَوَكْفِ اَهْنَا ؟
از کجا می توانم یک تلفن بزنم ؟	مِنْ أَيْنَ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَتَّصِلَ هَاتِفًا ؟	إِمْتِیْنِ اَكْذَرْ اَنخَابِرْ ؟
معذرت می خواهم ، سرویسهای بهداشتی کجاست ؟	عَفْوًا أَيْنَ دُورَةُ الْمِيَاهِ ؟	إِلْعَفُو ، وَیْنِ الْمَرِافِقِ ؟
من چه طور می توانم یک تاکسی بگیرم ؟	كَيْفَ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَخْذَ سَيَّارَةَ أَجْرَةٍ ؟	إِشْلُوْنِ اَكْذَرْ ، أَعْزَرْ تَكْسِي ؟
بیخشید نماز خانه کجاست ؟	عَفْوًا أَيْنَ الْمُصَلَّى ؟	إِلْعَفُو ، وَیْنِ اَكْذَرْ أَصَلِّي ؟

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
های هویتی .	هذه بطاقة هويتی .	این کارت شناسایی من است.
آه ضیعت جنطنی وغراضی .	أنا فقدت / ضیعت حقیبتی و سألنی .	من چمدان و اثاثیه ام را گم کرده ام .
وین الاستعلامات ؟	أین مکتوب الاستعلامات ؟	دفتر اطلاعات کجاست ؟
وین البوفه / الدکان ؟	أین المقصف / الدکان ؟	بوفه / مغازه کجاست ؟
وین قاعة الإنتظار ؟	أین صالة الإنتظار ؟	سالن استراحت کجاست ؟
جنطنی خربت .	حقیبتی اُتلفت .	چمدانم آسیب دیده است .

موضوع : گمرک — الجمارك

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
جوازك ، رجاء !	جَوَازَ سَفَرِكَ رَجَاءُ !	گذر نامه ات ، لطفاً
وَيْنُ غَرَضُكَ ؟	أَيْنَ أَمْتَبَعْتُكَ ؟	وسایلتان کجاست ؟
شِنُو جِنْسِيَّتِكَ ؟	مَا هِيَ جِنْسِيَّتُكَ ؟	ملیت شما چیست ؟
عِنْدَكَ بِطَاقَةُ تَطْعِيمِ ؟	هَلْ مَعَكَ شَهَادَةُ تَطْعِيمِ ؟	آیا گواهی واکسناسیون داری ؟
عِنْدَكَ فِيزَه ؟	هَلْ لَدَيْكَ تَأْشِيرَةٌ ؟	آیا روادید دارید ؟
أَكُو شَيْءٍ مَا ذَكَرْتَهُ ؟	هَلْ مَعَكَ شَيْءٌ لِلتَّصْرِيحِ به ؟	آیا همراهت چیزی برای اظهار نامه کردن داری ؟
هَذِي جَنِطَتُكَ ؟	هَلْ هَذِهِ حَقِيقَتُكَ ؟	آیا این چمدان شماست ؟
إِفْتَحْ هَايِ الْجَنْطَه .	إِفْتَحْ هَذِهِ الْحَقِيقَةَ رَجَاءً .	لطفاً این چمدان را باز کنید .
صَارَ ، إِنْبَعِينِي .	عَلَى عَيْنِي يَا سَيِّدِي .	به روی چشم قربان .
هَذَا هُمْ كُونُ أَذِكْرَه ؟	هَلْ يَجِبُ التَّصْرِيحُ بهذا ؟	آیا باید این را اظهار نامه کنم ؟
إِشْكَدْ لَازِمِ ادْفَعْ گِمْرِگ ؟	كَمْ يَجِبُ عَلَيَّ أَنْ أَدْفَعَ كَرْسَمِ جُمْرِكِي ؟	چه مقدار باید عوارض گمرکی بپردازم ؟

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
آیا کالای ممنوعه همراه دارید ؟	هَلْ مَعَكَ شَيْءٌ مَمْنُوعٌ؟	عِنْدَكَ شَيْءٌ مَمْنُوعٌ؟
آیا می خواهید اسباب و اثاثیه ام را کنترل کنید ؟	هَلْ تُرِيدُ أَنْ تُفَحِّصَ اِمْتِنَعَنِي؟	إِثْرِيدِ اِنْتَفَشْ غَرَضِي؟
آیا بازرسی چمدان هام تمام شد ؟	هَلْ تَمَّ تَفْتِيشُ حَقَائِبِي؟	اَكَلَكْ ، مَا خَلَصَ تَفْتِيشُ غَرَضِي؟
من می خواهم دو هفته اینجا بمانم .	أُرِيدُ أَنْ أَبْقَى هُنَا لِمُدَّةِ أَسْبُوعَيْنِ .	أُرِيدُ أَبْقَى اِهْنَا أَسْبُوعَيْنِ .
کالای گمرکی همراه ندارم .	لَيْسَ مَعِيَ شَيْءٌ لِأَصْرَحَ بِهِ .	مَا عِنْدِي شَيْءٍ يَنْگَمَرُگ .
این یک هدیه است .	هَذِهِ كَهْدِيَّةٌ / هَذِهِ هَدِيَّةٌ .	هَآيْ هَدِيَّةٌ .

موضوع : احوالپرسی و گفتگو - السؤال عن الأحوال والمحادثة

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
سلام علیکم ، خسته نباشید .	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ ، سَاعَدَكَ اللَّهُ .	السلامُ علیکم ، اللهُ يُسَاعِدُكَ
صبح شما بخیر / عصر بخیر / شب بخیر	صَبَاحُ الْخَيْرِ / مَسَاءُ الْخَيْرِ	صَبَاحُ الْخَيْرِ / مَسَاءُ الْخَيْرِ .
اسم شما چیست ؟	مَا اسْمُكَ ؟	شِسْمُكَ ؟
اسم من علی است .	اسْمِي عَلِيٌّ .	إِسْمِي عَلِيٌّ .
حال شما چطور است برادر ؟	كَيْفَ حَالُكَ يَا أَخِي ؟	إِشْلَوْنِكَ أَخِي ؟
متشکرم ، خوب هستم . شما چطورید ؟	شُكْرًا ، أَنَا بِخَيْرٍ ، أَنْتَ كَيْفَ حَالُكَ ؟	شُكْرًا ، زَيْنٌ . أَنْتَ إِشْلَوْنِكَ ؟
از کدام شهر آمده اید ؟	مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ جِئْتَ ؟	مِنْ يَا مَدِينَةٍ إِجِيتَ ؟
من از مشهد مقدس آمده ام .	جِئْتُ مِنْ مَشْهَدِ الْمُقَدَّسَةِ .	إِجِيتُ مِنْ مَدِينَةِ مَشْهَدِ .
شهر مشهد چگونه شهری است ؟	كَيْفَ هِيَ مَدِينَةُ مَشْهَدٍ ؟	إِشْلَوْنَةُ مَدِينَةِ مَشْهَدٍ ؟
مشهد ، شهری بزرگ و زیباست .	مَشْهَدُ مَدِينَةٍ كَبِيرَةٍ وَجَمِيلَةٍ .	مَشْهَدُ مَدِينَةٍ جَبِيرَةٍ وَ حِلْوَةٍ .
شما متولد چه سالی هستید ؟	فِي أَيِّ سَنَةٍ وُلِدْتَ ؟	إِنْتَ مَوَالِيدُ يَا سَنَةٍ ؟
من متولد سال ۱۳۶۳ هجری شمسی می باشم (۱۹۸۵ م).	أَنَا مِنْ مَوَالِيدِ سَنَةِ أَلْفٍ وَ تِسْعِينَ وَ خَمْسٍ وَ ثَمَانِينَ .	أَنَّهُ مِنْ مَوَالِيدِ أَلْفٍ وَ تِسْعِينَ وَ خَمْسَةٍ وَ ثَمَانِينَ .

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
شغل شما چیست ؟	ما مهنتك ؟	شِنُو شِغْلَك؟
من دانشجو می باشم .	أنا طالبٌ جامِعِي .	آنه طالبٌ بالجامعه .
رشته ی تحصیلی شما چیست؟	بی أيِّ فَرْعٍ تَدْرُسُ ؟	إینا فِرْعَ تَدْرِسُ؟
من در رشته ادبیات عربی درس می خوانم	أنا أَدْرُسُ فی فَرْعِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ آدابِها .	أَبْفِرْعِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ .
آیا تاکنون به این شهر آمده اید ؟	هَلْ جِئْتَ إِلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ مِنْ قَبْلُ / قَبْلًا؟	إِجِيتْ لَهَايِ الْمَدِينَةِ كَبِلْ؟
نه ، برای اولین بار است که آمده ام .	لا ، هَذِهِ أَوَّلُ مَرَّةٍ آتَيْتُ فِيهَا .	لا ، هَايِ أَوَّلُ مَرَّةٍ .
چه مدت در این شهر خواهی ماند ؟	كَمْ مُدَّةً تَبْقَى فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ؟	إِشْكَدْ تَبْقَى اَهْنَا؟
حدوداً دو هفته در اینجا خواهم ماند .	أَبْقَى هُنَا لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ تَقْرِیبًا .	أَبْقَى اَهْنَا أُسْبُوعَيْنِ .
سن شما چقدر است ؟ / چند ساله هستید ؟	كَمْ سِنُكَ ؟ / كَمْ عُمْرُكَ ؟	إِشْكَدْ عُمْرُكَ؟
من ۲۲ سال سن دارم / ۲۲ ساله هستم .	سِنِّي (عُمْرِي) اِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ سَنَةً .	عُمْرِي اِثْنَيْنِ وَ عِشْرِينَ سَنَةً .
شغل پدر شما چیست ؟	ما مهنةُ أبیک ؟ / ماذا يَعمَلُ أبوک؟	أَبُوكْ شِنُو يَشْتِغَلُ؟
پدرم شغل آزاد دارد ..	لأبي مهنةُ حُرَّةٍ . (يَعمَلُ أُمُورَ الْحَرَّةِ)	يَشْتِغَلُ بِالْبَيْعِ وَ الشَّرِّهِ .

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
إِشْلَوْنِ اِنْعَلَمْتِ تَحْجِي عربی؟	كَيْفَ تَعْلَمْتِ التَّكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ؟	چگونه گفتگو به زبان عربی را یاد گرفته اید ؟
جَمُّ أَخٍ وَ اِخْتِ عِنْدَكَ؟	كَمْ اخًا وَ اخْتًا لَكَ ؟	چند برادر و خواهر دارید؟
عِنْدِي اخوان اثْنَيْنِ وَ اِخْتٍ وَحْدَهُ .	لِي اخوانٍ وَ اخْتٌ وَاحِدَةٌ .	من دو برادر و یک خواهر دارم .
اِنتَ مَرْوُوج؟	هَلْ اَنْتَ مُتَزَوِّج؟	آیا شما متأهل هستید ؟
بَلِي، اَنَّهُ مَرْوُوج. / لا، اَنَّهُ اَعَزَب.	نَعَمْ، اَنَا مُتَزَوِّج. / لا، اَنَا اَعَزَب.	بله ، من متأهل هستم. / نه، من مجردم.
شِنُو هَوَايَتِكَ؟	مَا هِيَ هَوَايَتُكَ ؟	سرگرمی مورد علاقه ی شما چیست ؟
هَوَايَتِي الرِّيَاضَةُ وَ المُطَالَعَةُ.	هَوَايَتِي هِيَ الرِّيَاضَةُ وَالْمُطَالَعَةُ.	من به ورزش و مطالعه ، علاقه مند می باشم .
اَللّٰهُ يُوفِّقُكَ، فِي اَمَانِ اَللّٰهِ.	وَفَّقَكَ اللّٰهُ ، فِي اَمَانِ اللّٰهِ.	موفق باشید ، خدا نگهدار.

موضوع : تاکسی — سیارة الأجرة

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
اسم این میدان / خیابان چیست ؟	ما اسمُ هذه السَّاحَةِ / الشَّارِعِ ؟	شِسْمِ هَایِ الفِلْکَه / هَذَا الشَّارِعِ ؟
چگونه می توانم به میدان / خیابان ... بروم ؟	كَيْفَ اسْتَطِيعُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى سَاحَةِ / شَارِعِ	إِشْلُونْ أَكْذَرُ أَرْوَحِ الفِلْکَه / شَارِعِ ...
ایستگاه تاکسی / اتوبوس های آنجا کجاست ؟	أَيْنَ مَوْقِفِ السَّيَّارَاتِ / الْحَافِلَاتِ الْمُتَّجَةِ إِلَى هُنَاكَ ؟	وَيْنَ كُجَرِجِ السَّيَّارَاتِ / إِبَاصَاتِ اللَّيْ ثَرْوَحِ هُنَاكَ ؟
می خواهم تاکسی کرایه کنم.	أُرِيدُ أَنْ اسْتَأْجِرَ سَيَّارَةً .	أُرِيدُ أَوْ أَجْرَ تَكْسِي .
کرایه ی مسیر ... در روز چقدر است ؟	كَمْ يُكَلِّفُ الْإِيجَارُ فِي حَظٍّ ... فِي النَّهَارِ ؟	إِشْكَذْ إِجْرَةَ السَّيَّارَهْ ابْخَطَّ ... بِالنَّهَارِ ؟
کرایه ی مسیر ... در شب چقدر است ؟	كَمْ يُكَلِّفُ الْإِيجَارُ فِي حَظٍّ ... فِي اللَّيْلِ ؟	إِشْكَذْ إِجْرَةَ السَّيَّارَهْ ابْخَطَّ ... بِاللَّيْلِ ؟
می خواهم به نزدیک ترین هتل بروم .	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى أَقْرَبِ فُنْدُقٍ .	أُرِيدُ أَرْوَحَ لَ فُنْدُقٍ أَقْرَبِ .
می خواهم به یک مسافرخانه مناسب بروم .	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى فُنْدُقٍ مُنَاسِبٍ .	أُرِيدُ أَرْوَحَ لَ فُنْدُقٍ مُنَاسِبٍ .
می خواهم به یک هتل ارزان بروم .	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى فُنْدُقٍ رَخِيصٍ .	أُرِيدُ أَرْوَحَ لَ فُنْدُقٍ رَخِيصٍ .
می خواهم به این آدرس بروم .	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى هَذَا الْعُنْوَانِ .	أُرِيدُ أَرْوَحَ لَ هَذَا الْعِنْوَانِ .

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
می خواهم به بیمارستان ... بروم .	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى مُسْتَشْفَى ...	أُرِيدُ أَرْوَحُ لَ مُسْتَشْفَى ...
آیا به آدرس من رسیدیم ؟	أَلَمْ نَصِلْ / هَلْ وَصَلْنَا إِلَى عِنَوَانِي ؟	مَا وَصَلْتَهُ لِلْعِنَوَانِ؟
اینجا باید پیاده شوم .	يَجِبُ عَلَيَّ أَنْ أُنْزِلَ هُنَا .	إِنَّمَا كُونُ أَنْزِلَ .
از کمک شما متشکرم .	شُكْرًا لِمُسَاعَدَتِكَ .	شُكْرًا عَلَيْهِ مُسَاعَدَتِكَ .
کرایه شما چقدر شد؟	كَمْ يَجِبُ عَلَيَّ أَنْ أَدْفَعَ ؟	إِشْكَدْ صَارَتْ كَرَوْنِكَ؟
رسیدن به اینجا چقدر طول می کشد ؟	كَمْ يَسْتَعْرِقُ الْوُصُولُ إِلَى هُنَاكَ ؟	جَم سَاعَهُ يَحْتَاجُ الْوُصُولُ لِهِنَاكَ؟
لطفاً کمی تند تر برانید .	أَسْرِعْ قَلِيلاً مِنْ فَضْلِكَ .	مِنْ فَضْلِكَ شَوِّيه بِسُرْعَةٍ .
لطفاً همین جا نگه دارید .	تَوَقَّفْ هُنَا رَجَاءً .	إِنَّمَا أَوَّكِّفْ رَجَاءً .

موضوع : پرسیدن آدرس - السؤال عن العنوان

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
إشَلُونْ أَكْذَرُ أَرْوَحْ لِلْحَرَمِ؟	كَيْفَ اسْتَطِيعُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى الْحَرَمِ الْمُطَهَّرِ؟	چطور می توانم به حرم مطهر بروم؟
إشَلُونْ أَكْذَرُ أَرْوَحْ لِفِنْدِقِ بَرُومِ؟.....	كَيْفَ اسْتَطِيعُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى فُنْدُقِ ...؟	چطور می توانم به هتل ... بروم؟
أَقْرَبُ طَرِيقُ لِلْحَرَمِ امْتِنِسْ؟	مَا هِيَ أَقْرَبُ طَرِيقٍ إِلَى الْحَرَمِ الْمُطَهَّرِ؟	نزدیکترین مسیر به حرم مطهر کجاست؟
مِنْ يَا طَرِيقُ أَكْذَرُ أَرْوَحْ لِّلْسُوكِ؟	مِنْ أَيِّ طَرِيقٍ يُمَكِّنُ الذَّهَابُ إِلَى السُّوقِ؟	از کدام مسیر می توان به بازار رفت؟
أَقْرَبُ مَوْقِفٍ لِلْبَاصِ (لِلْمَصْلَحَةِ) وَين؟	أَيْنَ يَقَعُ أَقْرَبُ مَوْقِفٍ لِلْحَافِلَاتِ؟	نزدیکترین ایستگاه اتوبوس کجاست؟
هَسْهَ احْتَه وَين؟	أَيْنَ نَحْنُ الْآنَ؟	الآن کجا هستیم؟
إِلْ سُوْكِ، إِنْ بَيشِ السَّاعَةِ يَبْقَاهُ؟	حَتَّى مَتَى تَكُونُ السُّوقُ مَفْتُوحَةً؟	بازار تا چه ساعتی باز است؟
مِنْ يَا طَرِيقُ أَكْذَرُ أَرْوَحْ لِ مُسْتَشْفَى ..؟	مِنْ أَيِّ طَرِيقٍ يُمَكِّنُ الذَّهَابُ إِلَى مُسْتَشْفَى ...؟	از کدام مسیر می توان به بیمارستان ... رفت؟
إِمْنِ اهُنَا لِلْحَرَمِ، إِنْ شَكَّدَ يَطْوَلُ بِالتَّكْسِي؟	كَمْ يَسْتَعْرِقُ الذَّهَابُ مِنْ هُنَا إِلَى الْحَرَمِ الْمُطَهَّرِ بِسَيَارَةِ الْأَجْرَةِ؟	با تاکسی از اینجا تا حرم چقدر طول می کشد؟

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
إشلون أگدر أروخ للکراج؟	كَيْفَ اسْتَطِيعُ الذَّهَابَ إِلَى مَحْطَةِ الرُّكَّابِ؟	چگونه می توانم به ترمینال بروم؟
أَقْرَبُ مَخْبِزٍ وَیْنِ؟	أَيْنَ أَقْرَبُ مَخْبِزٍ؟	نزدیکترین نانوايي کجاست؟
إشلون أگدر أروخ لَ هَذَا الْعِنَوان؟	كَيْفَ اسْتَطِيعُ الذَّهَابَ إِلَى هَذَا الْعِنَوان؟	چگونه می توانم به این آدرس بروم؟
أَكُو طَرِيقَ أَقْرَبِ؟	هَلْ هُنَاكَ طَرِيقٌ أَقْصَرُ؟	آيا راهِ نزديکتری هم وجود دارد؟
إشگد إجره هَذَا الْخَطِّ؟	كَمْ الْأَجْرَةُ فِي هَذَا الْخَطِّ؟	کرایه این مسیر چقدر است؟
أَكُو حَدِيقَه عَامَّه قَرِيبَه؟	هَلْ هُنَاكَ حَدِيقَةٌ عَامَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ هُنَا؟	آيا در این نزديکی ها پارک وجود دارد؟

موضوع : در مسافرخانه - في الفندق

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
إِثْرِيدُ غُرْفَه حَمْسَ تَفَرَات.	أُرِيدُ غُرْفَةً ذَاتَ حَمْسَةِ أُسْرَةٍ .	یک اتاق پنج تختخوابه می خواهم .
إِحْنَه اِثْرِيدُ غُرْفَه لَتَفَرَتَيْنِ .	نَحْنُ نُرِيدُ غُرْفَةً ذَاتَ سَرِيرَتَيْنِ .	ما یک اتاق دو تختخوابی می خواهم .
عِدْنَه غُرْفَه بِالطَّابِقِ الثَّالِثِ .	لَدَيْنَا غُرْفَةٌ فِي الطَّابِقِ الثَّالِثِ .	یک اتاق در طبقه ی سوم داریم .
بِالطَّابِقِ الثَّالِثِ صُعُودِ الدَّرَجِ صَعْبٌ .	فِي الطَّابِقِ الثَّالِثِ صُعُودُ السَّلَامِ صَعْبٌ .	طبقه سوم ! بالا رفتن از پله ها سخت و دشوار است .
لَكِنْ، فِدَقْتَه بِسَهْ مَصْعَدَ كَهْرَبَائِي .	وَلَكِنْ لِفُنْدُقِنَا مَصْعَدٌ كَهْرَبَائِي .	ولی هتل ما دارای آسانسور است .
زَيْنَ، إِشْكُذْ إِجْرَةَ اللَّيْلَةِ لَوِخْذَه .	حَسَنًا ، مَا أَجْرُتُهَا لِلَّيْلَةِ وَاحِدَةً ؟	بسیار خوب ، کرایه آن برای یک شب چقدر است ؟
إِثْلَثُ ثَلَاثُ تَومَانِ .	ثَلَاثَةُ آلَافِ تَومَانِ .	سه هزار تومان .
بِهَا تَكْثِيفُ ؟	هَلْ هِيَ مُكَيَّفَةٌ ؟	آیا اتاق دارای تهویه است ؟
إِنُطِئْنَه مِفْتَاحَهَا رَجَاءً .	أَعْطِنَا مِفْتَاحَهَا رَجَاءً .	لطفاً کلید آن را بدهید .
أَكُو بِالْعُرْفِ تِلْفِزِيُونُ ؟	هَلْ هُنَاكَ فِي الْعُرْفِ تِلْفِزِيُونُ ؟	آیا اتاق ها دارای تلویزیون می باشد ؟

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
آیا می توانید یک مسافرخانه ی خوب به من معرفی کنید؟	هَلْ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ بِفُنْدُقٍ جَيِّدٍ ؟	تَكْدِرْ اذْلُبْنِي عَلَه فندُق زَيْن؟
قیمتها آنجا چگونه است؟	كَيْفَ الْأَسْعَارُ هُنَاكَ ؟	إِشْلُونِ الْأَسْعَارِ اهُنَاكَ؟
آیا هنوز اتاق خالی دارید ؟	هَلْ لَدَيْكُمْ غُرْفَةٌ خَالِيَةٌ بَعْدُ؟	عِدْكُمْ غُرْفَه خَالِيَه؟
یک اتاق مشرف به خیابان می خواهم .	أَرِيدُ غُرْفَةً مُطِلَّةً عَلَى الشَّارِعِ .	أَرِيدُ غُرْفَه عَلَه الشَّارِعِ .
یک اتاق حمام دار می خواهم.	أَرِيدُ غُرْفَةً ذَاتَ حَمَّامٍ .	أَرِيدُ غُرْفَه بِيهَا حَمَّامٍ .
این اتاق تاریک و دلگیر است .	هذه الغُرْفَةُ مُقْبِضَةٌ .	هَایِ الغُرْفَه ظَلَمَه وَ تَقْبِضِ الْغَلَبِ .
این اتاق را نمی پسندم .	هذه الغُرْفَةُ لَا تُعْجِبُنِي / لَا أَحِبُّهَا .	هَایِ الغُرْفَه مَا تَعْجِبُنِي .
اتاق دیگری را به من نشان بدهید .	أَرِنِي غَيْرَهَا .	شَوِّفْنِي غَيْرَهَا .
این اتاق خیلی زیباست .	هذه الغُرْفَةُ جَمِيلَةٌ جِدًّا .	هَایِ الغُرْفَه، كِلْشُ حِلْوَه .
لطفاً این فرم را پُر کنید .	إِمْلَأْ هَذِهِ الْإِسْتِمَارَةَ رَجَاءً .	إِمْلِئْ هَایِ الْإِسْتِمَارَه، رَجَاءً .
آیا می توانم کارت شناسایی شما را ببینم ؟	هَلْ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَرَى بِطَاقَةَ هَوَيْتِكَ ؟	اَكْدِرْ أَشُوفْ هَوَيْتَكَ؟

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
آیا به بچه ها تخفیف می دهید؟	هَلْ تُخَفِّضُونَ لِلْأَطْفَالِ؟	أَكُو تُخَفِّضُ لِلْأَطْفَالِ؟
اتاقِ ناهار خوری کجاست؟	أَيْنَ الْمَطْعَمُ؟	وَيْنَ الْمَطْعَمِ؟
آسانسور کجاست؟	أَيْنَ الْمَصْعَدُ؟	وَيْنَ الْمَصْعَدِ؟
اتاقِ پذیرایی کجاست؟	أَيْنَ غُرْفَةِ الْإِسْتِقْبَالِ؟	وَيْنَ غُرْفَةِ الْإِسْتِقْبَالِ؟
برای صبحانه ، چای و شیر صرف می کنم .	أَخْذُ الشَّايِ مَعَ الْحَلِيبِ لِلْفُطُورِ .	أَشْرَبُ چایِ حَلِيبَ بِالرَّيُوكِ .
آیا ممکن است لطفاً برانم ... بیاورید؟	هَلْ يُمَكِّنُكَ أَنْ تَأْتِيَنِي لِي بِـ ... رَجَاءً .	تِگْدِرِ احْبِبْ لِي ... رَجَاءً؟
یک پتو و بالش می خواهم.	أَرِيدُ بَطَّانِيَّةً وَ وِسَادَةً .	أَرِيدُ بَطَّانِيَّةً وَ مَخْدَةً .
کجا می توانم تلفن بزنم؟	أَيْنَ اسْتَطِيعُ أَنْ أَتَّصِلَ هَاتِفِيًّا؟	إِمْتِينِ أَگْدِرُ أَخَابِرْ؟
اتاق هنوز تمیز نشده است .	الْغُرْفَةُ لَمْ تُنْظَفَ بَعْدُ .	الْغُرْفَةُ بَعْدْهِي مُو نَظِيفَةً .
دوش کار نمی کند .	رَشَّاشُ الْمَاءِ (الدُّش) مُعْطَلٌ .	الدُّوشُ عَاطِلٌ .
چراغ روشن نمی شود .	الضُّوءُ لَا يَشْتَعِلُ .	الضُّوَّةُ مَا يَشْتَعِلُ .
شیر آب چکه می کند .	الْحَنْفِيَّةُ تُنْقِطُ .	الْحَنْفِيَّةُ تُنْكَطُ .
پنجره بسته نمی شود .	الشِّبَاكُ لَا يَنْغَلِقُ / لَا يُغْلَقُ .	الشِّبَاكُ مَا يَنْسَدُ .

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
پنجره باز نمی شود .	الشِّبَاكُ لَا يَنْفَتَحُ .	الشِّبَاكُ مَا يَنْفَتِحُ.
کلید باز نمی کند .	الْمِفْتَاحُ لَا يَفْتَحُ	الْمِفْتَاحُ مَا يَفْتَحُ.
یک اتاق خوب و تمیز می خواهم .	أُرِيدُ غُرْفَةً نَظِيفَةً وَ جَيِّدَةً.	أُرِيدُ غُرْفَةً نَظِيفَةً وَ زَيْنَةً.
این اتاق را برام رزرو کنید.	إِخْجِرْ لِي هَذِهِ الْغُرْفَةَ .	إِخْجِرْ لِي هَآيِ الْغُرْفَةِ.
یک هفته می خواهم بمانم .	أُرِيدُ أَنْ أَبْقَى أُسْبُوعًا .	أُرِيدُ أَبْقَى اسْبُوع.
ولتاژ برق چقدر است ؟	مَا هُوَ فُولْتَاكِ الْكَهْرِبَاءِ هُنَا ؟	الْكَهْرِبَاءِ هُنَا جَم فُولت؟
شماره تلفن هتل چند است؟	مَا هُوَ رَقْمُ هَاتِفِ الْفُنْدُقِ ؟	إِشْكَدْ رَقْمَ تِلْفُونِ الْفُنْدُقِ؟
لطفاً این حوله را عوض کنید.	غَيِّرْ لِي هَذِهِ الْمِنْشَفَةَ رَجَاءً .	غَيِّرْ لِي هَذَا الْخَاوِلِي، رَجَاءً.
لطفاً ساعت ۳۰ : ۷ صبحانه ام را بیاورید.	أُخْضِرْ لِي الْفُطُورَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ .	أُخْضِرْ لِي الرُّبُوكَ بِالسَّاعَةِ وَ نَصِّ.
من قبلاً اتاقی به نام ... رزرو کرده ام .	لَقَدْ حَجَزْتُ غُرْفَةً بِاسْمِ ...	آهْ أَخْجَزْتُ غُرْفَةً بِإِسْمِ

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
اگدر آشوف غُرْفَتِي؟	هَلْ اُسْتَطِيعُ اَنْ اَرَى غُرْفَتِي؟	آیا می توانم اتاقم را ببینم؟
تِگدر اذَلْبِي عَلَهِ فِنْدُقْ عادی؟	هَلْ تَسْتَطِيعُ اَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ بِفُنْدُقْ عَادِي؟	آیا می توانی یک مسافرخانه / هتل عادی به من معرفی کنی؟
إِبْيشِ السَّاعَهِ الرَّيْوْگَ / الغِدَهِ / العِشَهِ؟	فِي أَيِّ سَاعَةٍ يُقَدِّمُ الْفُطُورُ / العَدَاءُ / العِشَاءُ	چه ساعتی صبحانه / ناهار / شام حاضر است؟
أَرْجُوكَ، كَلِّفْ وَاحِدَ إِيْوَصِّلْ غَرَضِي لَغُرْفَتِي.	أَرْجُوكَ أَنْ تُكَلِّفَ أَحَدًا بِحَمَلِ أَمْتَعَتِي إِلَى غُرْفَتِي.	خواهشمندم کسی را موظف کن تا بارهایم را به اتاقم ببرد.

موضوع : دوست یابی — بناء الصداقة

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
السلام علیکم ، صَبَحُکُمْ ...ا بالخیر.	السَّلَامُ عَلَیْکُمْ ، صَبَحُکُمْ اللهُ بِالْخَیْرِ .	سلام ، صبح شما بخیر .
علیکم السلام ، صَبَحُکُمْ ...ا بالخیر و العافیة.	عَلَیْکُمُ السَّلَامُ ، صَبَحُکُمْ اللهُ بِالْخَیْرِ وَالْعَافِیَةِ .	علیکم السلام ، صبح شما بخیر.
إشلوئک؟	کَیْفَ حَالُکَ ؟	حال شما چطور است ؟
الحمد لله ، إِنْخِرْ ، إِنْتَ اشلوئک؟	أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِخَیْرِ ، أَنْتَ کَیْفَ حَالُکَ ؟	شکر خدا ، خوبم ، حال شما چطور است ؟
إِنْتَ امْنِین؟	مِنْ أَمِنْ أَنْتَ ؟	از کجا هستی ؟
مِنْ إیران ، وَاَنْتَ؟	مِنْ إیران، وَأَنْتَ ؟	من ایرانی هستم و شما ؟
إِمْنِ الْعِرَاقِ. إِنْشَرَفْنَه.	مِنْ الْعِرَاقِ ، وَأَنَا مَسْرُورٌ بِلِقَائِکَ .	من عراقی هستم و از دیدن شما خوشحالم .
إِشْوَكْتَ إِجِیتْ اَهْنَا؟	مَتَى جِئْتَ إِلَى هُنَا ؟	کی به اینجا آمده ای ؟
کَبْلُ أَرْبَعَةِ آیَام.	قَبْلَ أَرْبَعَةِ آیَام .	چهار روز پیش .
إِجِیتْ أَبَوْحَدَّکَ؟	هَلْ جِئْتَ وَحَدَّکَ ؟	آیا تنها آمده ای ؟
لا ، وَیَّ الْوَالِد.	لا ، مَعَ الْوَالِدِ .	نه ، با پدرم آمده ام .
إِشْلُونْ صِحَّةَ الْوَالِد؟	کَیْفَ صِحَّةُ الْوَالِدِ ؟	حال پدر، چطور است ؟
إِنْخِرْ ، تُعْبَانُ یَحْتَاجُ لَهُ اسْتِرَاحَه.	بِخَیْرِ ، تُعِيبُ وَیَحَاجَةُ إِلَى اسْتِرَاحَةٍ .	خوب ، خسته است و نیازمند استراحت است .
وَمِنْ نَازِلِ إِبْنِ فَنْدِیق؟	فِي أَيْ فُنْدُقٍ تَسْكُنُ ؟	در کدام هتل ساکنید؟

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
من ساکنِ هتلِ الحرّیه هستم.	أَنَا أَسْكُنُ فِي فُنْدُقٍ «الْحَرِّيَّة».	آه نازلِ بُفندُقِ «الحرّیه».
آیا آدرسِ هتل را داری؟	هَلْ عُنْوَانُ الْفُنْدُقِ مَعَكَ؟	عِنْدَكَ عِنْوَانُ الْفُنْدُقِ؟
بله این کارتی است که در آن آدرسِ هتل وجود دارد	نَعَمْ هَذِهِ بَطَاقَةٌ فِيهَا عُنْوَانُ الْفُنْدُقِ.	ای ، هایِ بَطَاقَه بِیها عنوانِ الْفُنْدُقِ.
چه اسم زیبایی دارید !	مَا أَجْمَلَ اسْمَكَ !	اِسْمُكَ، اشْکَدُ حِلُو !
امروز هوا گرم / سرد است.	الْيَوْمَ الْجَوُّ حَارٌّ / بَارِدٌ.	اَلیوم، اَلجَوُّ حارٌّ / بارِد.
هوا خیلی سرد است ؛ دارم یخ می زنم .	الْجَوُّ بَارِدٌ جِدًّا ؛ أَكَادُ أَنْ أَتَجَلَّدَ مِنَ الْبَرْدِ.	اَلجَوُّ کَلَشْ بارِد ، نَلَجِتِ اَمِنْ الْبَرْدِ.
در کدام دانشگاه درس می خوانی ؟	فِي أَيِّ جَامِعَةٍ تَدْرُسُ ؟	اَبِیَا جَامِعَه تَدْرُسُ؟
راستی سرگرمیِ شما چیست؟	يَا تُرَى ، مَا هِيَ هَوَايَتُكَ؟	صِدِیْگ ، شِنُو هَوَايَتُكَ؟
در وقتِ آزادم کتاب می خوانم .	أُطَالِعُ الْكُتُبَ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ.	أُطَالِعُ اَبُوکَتِ الْفَرَاغِ.
چه ورزشی را دوست داری؟	أَيُّ رِيَاضَةٍ تُحِبُّ ؟	يَا رِيَاضَه اُتَحِبُّ؟
گاهی اوقات فوتبال بازی می کنم .	أَلْعَبُ كُرَّةَ الْقَدَمِ بَعْضَ الْأَحْيَانِ .	أَلْعَبُ طَوْبَه ، بَعْضِ الْأَوْقَاتِ (الأوکات).
راستی، اکنون ساعت چند است ؟	يَا تُرَى كَمْ السَّاعَةُ الْآنَ؟	صِدِیْگ ، هَسَه اَبِشِ السَّاعه!
امروز چه روزی است ؟	أَيُّ يَوْمٍ هُوَ الْيَوْمُ ؟	اَلیوم شِنُو بِالْآیامِ؟

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
اليوم هو الإثنين، إثنينه وعشرين فروردین.	الْيَوْمَ هُوَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ ، الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ مِنْ شَهْرِ فَرَوْرْدِين .	امروز دوشنبه ۲۸ فروردین می باشد .
يا لَوْنِ اَنْحِبْ ؟	اَيُّ لَوْنٍ تُحِبُّ ؟	رنگ دلخواه شما چیست ؟
إِنْتَ مِنْ يا دَوْلَه؟	ما هِيَ جَنَسِيَّتُكَ ؟	ملیت شما چیست ؟
مَسَاءُ الْخَيْرِ .	مَسَاءُ الْخَيْرِ .	عصر بخیر / شب بخیر .
تَصْبِحُ عَلَه خَيْرِ .	تُصْبِحُ عَلَيَّ خَيْرٍ .	شب بخیر (هنگام خواب)
وَأَنْتَ مِنْ أَهْلَه .	وَأَنْتَ مِنْ أَهْلِهِ .	شب شما بخیر (در جواب)
أَنه سَعِيدٌ، لِأَنِ اِتْعَرَفْتُ عَلَيْكَ	أَنَا سَعِيدٌ بِلِقَائِكَ .	از آشنایی شما خوشوقتم .
كُلُّ عامٍ وَأَنْتَ اِنْخَيْرِ !	كُلُّ عامٍ وَأَنْتُمْ بِخَيْرٍ !	سال نو مبارک !
سَفَرٌ مُوَفَّقٌ، إِنْ شَاءَ اللهُ .	أَتَمْنِي لَكَ رَحَلَةً مُوَفَّقَةً .	سفر خوبی داشته باشید .
شُكْرًا عَلَه جَعَلْتَكَ .	أَشْكُرُكَ عَلَيَّ هَذِهِ الزَّيَارَةِ .	متشکرم که آمدید .
شَرَّفَنِي هَذِي اللَّيْلَه بِالْبَيْتِ .	تَفَضَّلْ إِلَى بَيْتِنَا هَذَا الْمَسَاءَ .	امشب به منزل ما تشریف بیاور .
بَاجِرِ الصُّبْحِ، عِنْدَكَ شِغْلٌ؟	هَلْ لَدَيْكَ عَمَلٌ صَبَاحَ الْعَدَا؟	آیا فردا صبح ، کار دارید ؟
أَكْذَرُ أَشُوقَكَ مَرَّةً ثَانِيَه؟	هَلْ أَسْتَطِيعُ أَنْ أُرَاكَ مَرَّةً أُخْرَى ؟	آیا می توانم شما را دوباره ببینم؟
أَهْدُ مَا أُنْسَاكَ !	لَنْ أُنْسَاكَ أَبَدًا .	هرگز فراموشتان نخواهم کرد
شَنُو عِنَاؤُكَ؟	مَا عُنَاؤُكَ ؟	آدرستان کجاست ؟
إِشْكَذْ رَقْمُ تِلْفُونُكَ؟	مَا هُوَ رَقْمُ هَاتِفِكَ ؟	شماره تلفن شما چند است ؟

موضوع : در لباس فروشی — فی محلّ بیع الألبسة

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
یک پیراهن مردانه ی سفید رنگ می خواهم	أُرِيدُ قَمِيصًا رِجَالِيًّا أَبْيَضَ .	أُرِيدُ قَمِيصَ رِجَالِي أَبْيَضَ.
یک شلوار مشکی سایز پنجاه می خواهم.	أُرِيدُ بَنْطَالًا أَسْوَدَ قِيَاسَ خَمْسِينَ.	أُرِيدُ بَنْطَرُونْ أَسْوَدَ قِيَاسْ خَمْسِينَ.
دو تا زیر شلوار ی مردانه می خواهم .	أُرِيدُ اثْنَيْنِ مِنَ السَّرَاوِيلِ الطَوِيلَةِ الدَافِئَةِ الدَاخِلِيَّةِ الرَّجَالِيَّةِ.	أُرِيدُ اثْنَيْنِ الْبَاسِ فَاثْنَيْلَه.
یک جین جوراب زنانه می خواهم .	أُرِيدُ سِتَّةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الْجَوَارِبِ النِّسَائِيَّةِ.	أُرِيدُ سِتْ أَزْوَاجِ جَوَارِبِ نِسَائِيَه.
یک جفت جوراب مردانه ی سرمه ای می خواهم .	أُرِيدُ زَوْجًا كُحْلِيًّا مِنَ الْجَوَارِبِ الرَّجَالِيَّةِ.	أُرِيدُ زَوْجِ جَوَارِبِ رِجَالِيه كُحْلِيَه.
یک دست کت و شلوار آبی رنگ می خواهم .	أُرِيدُ بَدْلَةً رِجَالِيَّةَ زَرْقَاءَ.	أُرِيدُ بَدْلَه رِجَالِيَه زَرْگَه.
یک کمر بند چرمی می خواهم .	أُرِيدُ حِزَامًا جِلْدِيًّا.	أُرِيدُ احْزَامَ جِلْدَ.
آیا سگک کمر بند دارید؟	هَلْ عِنْدَكُمْ شَبَكُ الْحِزَامِ؟	عِنْدَكُمْ حَدِيدَه احْزَام؟
یک جفت دستکش پشمی می خواهم .	أُرِيدُ زَوْجَ قَفَازٍ صُوفِيٍّ .	أُرِيدُ اجْتِفُوفَ صُوفَ.

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
أريدُ فانيْلَه ولباسَ رجالي.	أريدُ قميصاً داخلياً وسروالاً قصيراً رجاليين	یک رکابی و شورت مردانه می خواهم .
عندكم معطف جلدی؟	هل عندكم معطف جلدي؟	آیا پالتو چرمی دارید ؟
أريدُ شفقَه ولأديَه.	أريدُ قُبْعَةً صبيانيّة (ولأديّة)	یک کلاه بچگانه می خواهم .
أريدُ جاكيتَ زين.	أريدُ جاكيتاً جيّداً.	یک ژاکت خوب می خواهم .
عندكم ثنوره طویلَه.	هل عندكم ثنورة طويلة	آیا دامن بلند دارید ؟
أريدُ عبایَه نسائيَه زينَه.	أريدُ عباءة نسائية جيّدة	یک چادر مشکی خوب می خواهم .
أريدُ خاولي وجفّة جيب.	أريدُ منشفة ومنديلاً.	یک حوله و دستمال می خواهم .

موضوع : در بازار — في السوق

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
وین اَکَدَرِ اشتری ... ؟	أَیْنَ یُمْکِنُ شِراءُ ؟	کجا خرید ... ممکن است؟
تَکَدِّرِ ثِراوینی مَغازةَ ... ؟	هَلْ تَسْتَطِیعُ أَنْ تُرِینِی مَتَحَرَّ ... ؟	آیا می توانی به من مغازه ی ... را نشان دهی ؟
عِندَکُم ؟	هَلْ عِندَکُم ؟	آیا دارید ؟
مِنْ فَضْلَکِ انْطِیْ ...	أَعْطِیْنِی مِنْ فَضْلِکَ	لطفاً را به من بده .
أَریدُ زَوْجَ رِجاءَ .	أَریدُ زَوْجَ رِجاءَ .	لطفاً یک جفت ... می خواهم
هَذَا یُعْجِبُنِی .	هَذَا یُعْجِبُنِی .	این را می پسندم .
إِشْکُذْ سِغْرَهَ ؟	ما قِیمَتُهُ ؟ / کَمْ ثَمَنُهُ ؟	قیمتش چند است ؟
هَذَا کِلْشْ غالی .	هَذَا غَالِ جِدًّا .	این بسیار گران است .
أَریدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا .	أَریدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا .	ارزانتر از این می خواهم .
تَأْخُذُونَ فِلُوسَ إیرانیَّهَ ؟ تَقْبَلُونَ فِلُوسَ إیرانیَّهَ ؟	هَلْ تَأْخُذُونَ التَّقْوَدَ الإیرانیَّهَ ؟	آیا پول ایرانی می پذیرید ؟
وین صِیَاغَ الذَّهَبِ ؟	أَیْنَ الصَّاعَةُ ؟	طلا فروشی کجاست ؟
عِندَکَ أَحْسَنَ مِنْ هَذَا ؟	هَلْ عِندَکَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا ؟	آیا بهتر از این هم دارید ؟
شُکراً ، ما أحتَاجُهُ .	شُکراً لَسْتُ بِحَاجَةٍ إلیهِ .	متشکرم ، نیاز ندارم .
أَریدُ مِنْ هَذَا النِّوعِ .	أَریدُ مِنْ هَذَا الصَّنْفِ .	از این جنس (نوع) می خواهم
رِجاءَ ، خَفِّضْ لی بالسَّعْرِ .	رِجاءَ خَفِّضْ لی فی السَّعْرِ .	لطفاً تخفیف بدهید .

موضوع: در رستوران - في المطعم

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
أدورُ عَلةَ مطعمٍ عادي.	أبحثُ عن مَطْعَمٍ عادي.	دنبال یک رستوران معمولی می گردم .
أکو مطعمٍ درجه أولی قریب؟	هل هناك مطعمٍ درجۃ أولی بالقرب من هنا؟	آیا در این نزدیکی ها یک رستوران درجه یک وجود دارد ؟
هذا المیز مَحجُوز؟	هل هذه الطاولة محجوزة؟	آیا این میز رزرو شده است ؟
یا وَلَدُ (أخِي؛ حَبَّي) قائمة الأكل، رجاء.	أيها النادل! قائمة الطعام من فضلك.	آقای پیشخدمت ! صورت غذا لطفاً .
عِدْكُمْ چای، بارد؟	أيها النادل! قائمة المشروبات من فضلك.	آقای گارسون ! صورت نوشیدنی ها لطفاً .
أكلُكم حاضر؟	هل الطعام جاهز؟	آیا غذا آماده است ؟
أريدُ مِيزَ أربع نَفَرَات.	أريدُ طاولةً لأربعة أشخاص.	یک میز چهار نفره می خواهم .
مِنْ فَضْلِكَ، جِيبِ لَنَا ...	أحضِرْ لنا ... من فضلك.	لطفاً برای ما بیاور .
مِنْ فَضْلِكَ، فَدُ تَغْلَاصُ ...	من فضلك كَأْسَ ...	لطفاً یک لیوان ...

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
پیش غذا می خواهم.	أريدُ ... كمُشهيَّاتٍ.	شِنُو عِدْكُمْ مُقَبَّلَات؟
دسر صرف می کنم (می خواهم)	أريدُ ... كَتَحْلِيَّةٍ.	شِنُو عِدْكُمْ وَرَه الْأَكْل؟
لطفاً صورت حساب های جداگانه .	من فضلك، قوائم حساب مُنفَصَلة.	رَجَاء، جِيبْ كِلْ وَاحِد إِحْسَابَه بُوخْدَه.
لطفاً كل حساب روی هم .	من فضلك، قائمة الحساب.	مِنْ فَضْلِكَ، جِيبْ إِحْسَابَتِنَا.
به نظر می رسد در صورت حساب من اشباهی رخ داده است .	يبدو أن هناك خطأ في الحساب (حسابي).	أَتَصَوَّرُ أَكُو خَطَأً بِلِحْسَاب.
این را صرف نکردم (نگرفتم) .	أنا لم أطلب هذا.	آنَا مَا طَلَبْتُ هَذَا.
چقدر باید بپردازم ؟	كم يجب عليّ أن أدفع؟	إشْكَدْ لَارِمُ أَدْفَع؟

موضوع: خریدن سوغات — شراء الهدايا

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
کجا خرید ... ممکن است؟	أَيْنَ يُمَكِّنُ شِرَاءُ...؟	إِمْتِنَ أَكْدَرُ أَشْتَرِي...؟
... می خواهم.	أريد...	أريد...
آیا ... دارید؟	هَلْ لَدَيْكُمْ...؟	عَدَكُمْ...؟
لطفاً ... را به من بده.	أَعْطِنِي... رَجَاءً.	إِنطِني ... رجاء.
لطفاً ... را به من نشان بده.	أَرِنِي مِنْ فَضْلِكَ ...	رَاوِنِي ... رجاء.
سوغاتی این شهر چیست؟	مَا هِيَ الْهَدِيَّةُ الرَّائِجَةُ هَذِهِ الْمَدِينَةِ؟	شَوِ صَوَغَاتُ هَذِهِ الْمَدِينَةِ؟
کمی عطر می خواهم.	أريدُ بَعْضَ الْعُطُورِ.	أريدُ عُطُورَ.
کمی در نجف می خواهم.	أريدُ دُرَّ النَجَفِ.	أريدُ دُرَّ النَجَفِ.
آیا مهر و تسبیح دارید؟	هَلْ لَدَيْكُمْ التَّرْبَةُ وَالْمِسْبَحَةُ؟	عَدَكُمْ تَرَبُ وَ سَبِيحَ؟
قیمت این بارچه ها چند است؟	كَمْ سِعْرُ هَذِهِ الْأَقْمِشَةِ؟	إِشْكَدْ سِعْرَ هَذَا لِقَمَاشِ؟
چند مهر کربلا می خواهم.	أريدُ عِدَدًا مِنَ الثَّرَبِ الْحُسَيْنِيَةِ.	أريدُ أَشْوِيَه تَرَبِ حُسَيْنِيَه.
چگونه می توانم... بدست آورم؟	كَيْفَ أَسْتَطِيعُ الْحَصُولَ عَلَى...؟	إِشْلُونْ أَكْدَرُ أَحْصَلُ عَلَيْهِ...؟
قیمت ... چند است؟	كَمْ سِعْرُ...؟	إِشْكَدْ سِعْرَ...؟
نزدیکترین بازار کجاست؟	أَيْنَ يَقَعُ أَقْرَبُ سُوقٍ؟	وَيْنَ أَقْرَبُ سُوْگِ؟
چند تا خلعی (کفن) می خواهم.	أريدُ عِدَدًا مِنَ الْأَكْفَانِ.	أريدُ چُفَانِ.
چقدر باید بپردازم؟	كَمْ يَجِبُ عَلَيَّ أَنْ أَدْفَعَ؟	إِشْكَدْ لَازِمَ أَدْفَعِ؟

موضوع : اصطلاحات — المصطلحات

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
روبه راهی؟ / دماغت چاق است؟	هل أنت على ما يُرام؟	زین؟
روبه راه نیست؛ اوضاع بر وفقِ مراد نیست	لستُ على ما يُرام.	مُو زین! لا والله مو کِلَش!
صبح بخیر (ج) ← عاقبت بخیر	صباحُ الخیر ← صباحُ النور	صباح الخیر ← صباح النور
شب بخیر (ج) ← شب بخیر (در طول شب)	مساءُ الخیر ← مساءُ النور	مساء الخیر ← مساء النور
شب بخیر (ج) ← شب بخیر (هنگام خوابیدن)	تُصبحُ على خیر / وانت من أهله	تصبحُ عله خیر ← وثقه من أهله
نوش جان .	هَنِيئاً مَرِيئاً .	هَنِيئاً / بالعافیه / عَوافی
آفرین ؛ بَارَك اللهُ .	بَارَكَ اللهُ فِیکَ ؛ أَحْسَنْتَ	بَارَكَ اللهُ بِیکَ ؛ أَحْسَنْتَ
بسیار خوب ؛ عالی است.	حَسَناً ؛ طَیِّبٌ ؛ حَیْذٌ	زین ؛ کِلَش زین / حَیْذٌ
بفرمایید.	تَفَضَّلْ !	إِثْفَضِّلْ !
به روی چشم .	على عَینی ؛ على الرَّأسِ والعینِ	عَلَه عَینی ؛ عَلَه راسِی وَ عَینی
خسته نباشید (ج) سلامت باشید	سَاعَدَكَ اللهُ (ج) سَلَّمَكَ اللهُ	اللهِ يُسَاعِدُكَ (ج) اللهُ يُسَاعِدُكَ
بسیار متشکرم.	شُكراً جَزِيلاً .	شُكراً جَزِيلاً ؛ مَعْنُون .

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
إِلْعَفُوْ ؛ وَاجِبْ / بِالْخِدْمَةِ / حَلَّتِ الْبِرَكَةُ / أَهْلًا وَسَهْلًا	لا شُكْرَ عَلَى وَاجِبٍ.	تشکر لازم نیست ؛ وظیفه ام است
مَبْرُوكٌ / عَلَیْخَیْرٍ / عَلَیْبِرَكَةٍ	مَبْرُوكٌ ، مَبْرُوكٌ.	مبارک است ؛ مبارک باشد
كُلُّ عَامٍ وَثَوْبُ خَیْرٍ.	كُلُّ عَامٍ وَأَنْتُمْ بِخَیْرٍ.	سالِ نو مبارک.
مِیْخَالِفٌ / مَاكُو مُشْكِلَه.	لا بَأْسَ.	اشکالی ندارد.
عَفْوًا / إِلْعَفُوْ	عَفْوًا	بیخشید .
مِثْلُ مَا تُرِیدُ / مِثْلُ مَا تُحِبُّ	كَمَا تُحِبُّ ؛ كَمَا تُشَاءُ	هر طوری دوست داری / هر جوری می خواهی.
أَهْلًا وَسَهْلًا	أَهْلًا وَسَهْلًا	خوش آمدید .
أَنَا ابْنُ خِدْمَتِكُمْ / ابْنُ خِدْمَتِكُمْ	أَنْلُ فِي خِدْمَتِكُمْ	در خدمتتان هستم .
اللَّهُ ابْنُ وَفَقَكَ / مَوْفَقِينَ	وَفَقَكَ اللَّهُ	موفق باشید .
شُكْرًا ← إِلْعَفُوْ	شُكْرًا ← عَفْوًا	متشکرم ج ← خواهش می کنم .
قَرَّتِ الْعِیُونَ / كَرَّتْ عِیْنِي	قَرَّتْ عِیْنِي	چشمم روشن شد .
أَتَمَّنَّا لَكَ التَّوْفِیْقَ	أَرْجُو لَكَ التَّوْفِیْقَ	برایت آرزوی موفقیت می کنم .
أَتَمَّنَّا لَكَ الصِّحَّةَ وَالسَّلَامَةَ	أَتَمَّنَّى لَكَ الصِّحَّةَ وَالسَّلَامَةَ	برایت آرزوی تندرستی و سلامتی می کنم .

فارسی	عربی فصیح	لهجه عراقی
به عنوان مثال .	على سبيل المثال	مثلاً / على سبيل المثال
به ياري خدا / اگر خدا بخواهد .	بَعُوْنِ اللّٰهِ تَعَالٰى ؛ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالٰى	اِنْ شَاءَ اللّٰهُ / بَعُوْنِ اللّٰهِ تَعَالٰى
به اميد ديدار .	الى اللقاء	مَعَ السَّلامه / اللّٰهُ اَوْيَاك
خدا نگهدار .	في امان اللّٰهُ	في امان اللّٰهُ
به سلامت .	مَعَ السَّلامه	مع السلامه
عمرت دراز باد / خداوند نگهدار تو باد	طالَ عمرُكَ / حَفَظَكَ اللّٰهُ	طالَ عمرُكَ / اللّٰهُ اِنْحِفْظُكَ
خدای نکرده / زبانه لال .	لا سَمَحَ اللّٰهُ	لا سَمَحَ اللّٰهُ / اللّٰهُ لا يَكُوْلُه
جای نگرانی نیست .	لا داعيَ للقلق	ماكو داعي للقلق
دست درد نکند	عاشت يداك / سَلِمَتْ يداك	عاشت ايدك / تَسَلَّمَ ايدك

موضوع : خدا حافظی - الوداع

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
فی امانِ الله / مع السلامه	إلى اللقاء	به امید دیدار
فی امانِ الله / مع السلامه	فی امانِ الله	خدا نگهدار ؛ خدا حافظ
مع السلامه	مَعَ السَّلَامَةِ	به سلامت
إِنْشَوْفُكُمْ أَنْشَا اللهُ	إلى مَا بَعْدَ	تا بعد
إِنْشَوْفُكُمْ بَاجِرْ، إِنْشَا اللهُ	إلى غَدٍ / الى الغدِ	تا فردا
سَلِّمْ لِي عَلَه	بَلِّغْ سَلَامِي إِلَى...	سلام مرا به برسان
مُوقِّعِينَ	وَقَفَّكَ اللهُ	موفق باشید .
أَتَمَّنَّا لَكَ التَّوْفِيقَ وَالنَّجَاحَ	أَرْجُو لَكَ التَّوْفِيقَ وَالنَّجَاحَ	برای شما آرزوی موفقیت و پیروزی می کنم .
إِنْشَوْفُكُمْ قَرِيباً إِنْشَا اللهُ	إلى اللقاءِ القَرِيبِ	به امید دیدارِ نزدیک .
أَشُوفُكَ إِنْشَا اللهُ	سَأْرَاكَ	[بعداً] می بینمت .
أَهْدُ مَا أُنْسَاكَ	لَنْ أُنْسَاكَ أَبَداً	هرگز فراموشت نمی کنم
إِشْلُونْ أَكْثَرْ أَتَّصِلُ بِكَ؟	كَيْفَ يُمَكِّنُنِي الْإِتِّصَالُ بِكَ؟	چگونه می توانم با تو تماس بگیرم .
إِنْطَبِئْ عِنَوَاتِكَ	أَعْطِنِي عُنَوَاتِكَ	آدرست را به من بده .
إِنْطَبِئْ رَقْمَ تِلْفُونِكَ	أَعْطِنِي رَقْمَكَ الْهَاتِفِيَّ	شماره تلفنت را به من بده
خَابِرْنِي، مُوْتَنَسَه	أَتَّصِلُ بِكَ، لَا تُنْسَ	با من تماس بگیر .
رَاسِلْنِي / إِكْتَبْ لِي رِسَالَه	رَاسِلْنِي / أَكْتُبْ لِي رِسَالَةً	با من مکاتبه کن؛ نامه بنویس

موضوع : کلمات متعلق بالدراسة (درس و مدرسه)

فارسی	عربی فصیح	عراقی	فارسی	عربی فصیح	عراقی
مهد کودک	دارُ الحضانة	دارِ الحضانه	جزوه	الکُرَّاسَة	إلکُرَّاسَة
کودکستان	روضَة الأطفال	روضَة الأطفال	نقط کش	المِسْطَرَة	إلْمِسْطَرَة
دبستان	المدرسة الابتدائية	إلْمدرسه الابتدائية	خود نویس	قلمُ الحِبرِ	قلمُ حیر
مدرسه راهنمایی	المدرسة المتوسطة	إلْمدرسه المتوسطة	خود کار	القلمُ الجافُ	قلمُ جاف
دبیرستان	المدرسة الإعدادية	إلْمدرسه الإعدادية	مداد	قلمُ الرصاصِ	قلمُ رصاص
پیش دانشگاهی	السادسُ الإعدادي	إلِسادس الإعدادي	نقشه جغرافی	الخارطة / الخريطة	إلخارطة / إلخريطة
دانشکده ستاد	كُلِّيَّةُ الأركان	كُلِّيَّةُ الأركان	دانشکده علوم انسانی	كُلِّيَّةُ العلومِ الإنسانية	كُلِّيَّةُ العلومِ الإنسانية
دانشکده مهندسی	كُلِّيَّةُ الهندسة	كُلِّيَّةُ الهندسة	دانشکده ادبیات	كُلِّيَّةُ الآدابِ	كُلِّيَّةُ الآدابِ
دبیر	المدرّس	إلْمدرّس	معلم	المعلّم	إلْمعلّم
کلاس	الصفّ	إلصفّ	دانش آموز	التلميذ	إلطالب

تخته سیاه	السبورة	إلسبوره	دانشکده بازرگانی	کلیه التجارة	کلیه التحاره
جعبه گچ	صندوق الطباشير	صندوق الطباشير	دانشکده کشاورزی	کلیه الزراعة	کلیه الزراعه
تخته پاک کن	المسححة ؛ الماسحة	مساحه	دانشکده پلیس	کلیه الشرطه	کلیه الشرطه
میز و صندلی	منضدة و كرسي	میز و كرسي	دانشکده داروسازی	کلیه الصيدلة	کلیه الصيدله
میز و صندلی دانش آموز	الرحلة	رحله	دانشکده تربیت مدرس	کلیه التربية	کلیه التربيه
زمین بازی مدرسه	ساحة المدرسة	ساحة المدرسه	دانشکده دامپزشکی	کلیه الطب البيطري	کلیه الطب البيطري
دانشگاه	الجامعة	إلجامعة	استاد	الأستاذ	الأستاذ
دانشکده	الكلية	إلکلیه	دانشکده هنر	کلیه الفنون الجميلة	کلیه الفنون الجميله
دانشکده افسری	الكلية العسكرية	إلکلیه العسكریه	دانشکده علوم پایه	کلیه العلوم	کلیه العلوم
دانشجو	طالب جامعي	طالب جامعي	دانشکده دندانپزشکی	کلیه طب الأسنان	کلیه طب الأسنان
استادیار	مدرس	مدرس	آموزشگاه	المعهد	إلمعهد
رئیس دانشگاه	رئيس الجامعة	رئيس الجامعة	آموزشگاه عالی	المعهد العالي	إلمعهد العالي
رئیس دانشکده	عميد الكلية	عميد الكلية	گروه غربی	قسم اللغة العربية	قسم اللغة العربية

مدیر گروه	رئیس القسم	رئیس القسم	گروه	قسم الأحياء	قسم الأحياء
گروه جامعه شناسی	قسم الاجتماع	قسم الاجتماع	گروه اقتصاد	قسم الاقتصاد	قسم الاقتصاد
گروه باستان شناسی	قسم الآثار	قسم الآثار	گروه فارسی	قسم اللغة الفارسية	قسم اللغة الفارسية
گروه روانشناسی	قسم علم النفس	قسم علم النفس	گروه انگلیسی	قسم اللغة الإنجليزية	قسم اللغة الإنجليزية
گروه مدیریت	قسم الإدارة	قسم الإدارة	گروه میکانیک	قسم الميكانيك	قسم الميكانيك
گروه الهیات	قسم الشريعة الإسلامية	قسم الشريعة	دپلم	الدبلوم	شهادة الإعدادية
گروه عمران	قسم العمران	قسم العمران	فوق دپلم	شهادة المعهد	شهادة المعهد
گروه شیمی	قسم الكيمياء	قسم الكيمياء	لیسانس	بكالوريوس / الليسانس	شهادة البكالوريوس
گروه فیزیک	قسم الفيزياء	قسم الفيزياء	فوق لیسانس	الماجستير	شهادة الماجستير
گروه ریاضی	قسم الرياضيات	قسم الرياضيات	دکتری	الدكتوراه	شهادة الدكتوراه
گروه حقوق	قسم الحقوق	قسم الحقوق	دکترای افتخاری	الدكتوراه الفخرية	الدكتوراه الفخرية

موضوع : رستوران و هتل - المطعم والفندق

لهجه عراقی	لهجه عراقی	فارسی	لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
جَنَظِ المسافرين	حقائبُ المسافرين	چمدان های مسافران	قَتْلُ الحشرات	إبادةُ الحشرات	از بین بردن حشرات
دِجَاجُ عَلةَ تَمَنُّ	دِجَاجُ مَعِ الرُّزْ	چلو مرغ	وَرَقَةُ المرور/ التَّنْقُلُ	وَرَقَةُ المرور/ التَّنْقُلُ	برگه عبور/ تردد
الدجاج المشويّ	الدجاجُ المشويّ	مرغ بریان	أجورِ الفنادق	أجورِ الفنادق	کرایه ی هتل ها
إلدوام	دَوَامُ العَمَلِ	ساعت کاری	استقبالُ المسافرين	استقبالُ المسافرين	پذیرایی از مسافران
سَرَّاحِيه / دولكه	دَوَرَقُ الماءِ	پارچ آب	إشرافُ صِحِّيّ / رقابه صحیه	الإشرافُ الصَّحِّيّ / الرقابة الصحبة	نظارت بهداشتی
مغاسل/ مرافق	دورةُ المياه	دستشویی	إكطوفِ الچكايزُ	أعقاب السحائر	ته سیگار
دولة	الدولة (الملفوف)	دولمه	أكواب / إكلاصات	أقداح الماء	لیوان های آب
ذَبَان	الذباب	مگس	المواعين المغسولة	الأواني المغسولة	ظرف های شسته شده
رئيس العمال	رئيس العمال	سر کارگر	ساحةِ الفندق	باحة الفندق	حیات هتل یا مسافرخانه

پتو های تخت خواب	بطانيات الأسرة	بطانيات	نظافت بهداشتی	النظافة الصحية	النظافة الصحية
دستگاه خنک کننده	جهاز التبريد	مكيف	حقوق ماهیانه ی کارگران	الراتب الشهري للعامل	الراتب الشهري للعامل
دستگاه گرم کننده	جهاز التدفئة	جهاز التدفئة	ساعات کار	ساعات العمل	الدوام
پرده های اتاق	ستائر الغرفة	پروات	کارگران غذا خوری / سلف	عمال المطعم	عمال المطعم
تخت دو نفره	سرير ذو نفرین	تخت نفرین	اتاق دو خوابه	غرفة ذات سریرین	غرفة اب سریرین
سالن استراحت	صالة الاستراحة	صالة الاستراحة	اتاق سه خوابه	غرفة ذات ثلاثة أسرة	غرفة بثلاث چوربايات
پیشبند کارگر	صدرية العامل	صدرية العامل	اتاق خنک است	الغرفة مبردة	غرفة مكيفة
هياهو	الضوضاء	ضوضاء	اتاق رزرو شده است	الغرفة محموزة	إلغرفة محموزه
پُخت خوب	الطبخ الجيد	طبخ جيد	اتاق مجهز به حمام است	الغرفة مزودة بحمام	إلغرفة بيهه حمام

غذای پُر چربی	الطعام الدهین	الطعام الدّهین	اتاق آماده است	الغرفة مهيّأة / جاهزة	الغرفة جاهزة
غذای آب پز	الطعام المسلوق	الأكِل / الطعام المسلوگ	شستن روپوش ها / زو اندازها	غسل الأغطية	غسل الجرّاجف
غذای بریان	الطعام المشويّ	الطعام المشويّ	شستن ظروف	غسل الأواني	غسل المواعين
غذای سرخ شده	الطعام المقلّيّ	الطعام المقلّيّ	فاکتور غذا / صورتحساب	فاتورة الطعام	قائمة لِحساب
غذای بی خورشت (خشک)	الطعام الناشف	الطعام الناشف	مستخدم هتل	فرائش الفندق	فرائش الفندق
جعبه ی دستمال کاغذی	علبة المناديل الورقية	کلینکس	فرچه	فرشاة التنظيف	فرچه
باقیمانده غذا	فضلات الأكل	فضلات	آینه دستشویی	مرآة المغسلة	إمراة المغسلة
هتل / مسافرخانه	الفندق	الفندق	خوش آمدید	مرحباً بکم	أهلاً و سهلاً
لیست نرخ غذا	قائمة أسعار الأطعمة	قائمة أسعار الأكل	مسئول هتل	مسؤول الفندق	مسؤول الفندق

زباله / آشغال	القاذورات	إزباله	نوشابه های گاز دار	المشروبات الغازية	بارد
شیشه نوشابه	قناني المشروبات	بارد	حوله	المنشفة	عائلي
کپسول گاز	قنينة الغاز	قنينة غاز	میز غذا خوری	منضدة الطعام	میز اكل
چلو کباب	کباب مع رز	کباب عله من	میز کثیف است	المنضدة وسخة	المیز وصخ
کباب بریان	الکباب المشوي	الکباب المشوي	جاسیگاری	منفضة السحائر	نفاضة جگایر
گوشت کوبیده / شامی	الکباب المقلی	الکباب المقلی	میزهای رستوران	موائد المطعم	امیوزة المطعم
گوشت بریان	اللحم المشوي	قوزي	موسم گذراندن تابستان	موسم الاصطياف	موسم اصطياف
چلو خورشت	رز و مرق	تغن و مرگ	گارسون	النادل	إلصانع
حشره کش	مبيد الحشرات	قاتل حشرات	آرامش	الهدوء	هدوء
وعده غذا	وجبة الطعام	وجبة طعام	وعده ی صبحانه	وجبة الفطور	ریوگ

تبرید	أجهزة التبريد	وسایل سرد کننده	تَفرُّ أكل	وجبة من الطعام	یک وعده غذا/ یک پرس غذا
تدفئة	أجهزة التدفئة	وسایل گرم کننده	عِشَة	وجبة العشاء	وعده ی شام
			غَدَة	وجبة الغداء	وعده ی ناهار

madsg.com

مادسیج

موضوع : لباس ها - الیسة

لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی	لهجه عراقی	عربی فصیح	فارسی
شلوار / إلباس	شورت / البنطال	شورت / زیر شلوار ی	بنطرون	البنطلون	شلوار
السترة	السترة	کت	الثورة	الثورة	دامن
البدلة	البدلة	کت و شلوار	بجامه	البیجاما	پیژامه
الفستان / ثوب	الفستان	پیراهن زنانه	الجاکیت	الجاکیت	ژاکت
العباية	العباءة / الملاءة	چادر	جوراب	الجورب	جوراب
المایوه	المایوه	مایو / لباس شنا	إحزام	الحزام / الزنار	کمربند
مَندیل / جَفِيه	المنديل	دستمال	شال / لَفاف	التلفیحة / اللفافة	شال گردن
قَمَصَلَه	الکثرة	کابشن / اورکت	الصدرية	الصدرية	گرسب
القَميص	القَميص	پیراهن	شَفَقَه	القُبعة / القُلنسوة	کلاه
معطف / کَوْت	المعطف	پالتو	إجنوف	القفاز	دستکش